



۲۰۱۷/۰۵/۲۳



مصطفی «عمرزی»

نام دری در نشرات قدیمی افغانی

دری، مسجل ترین نام در شناخت تنوع فرهنگی افغانستان در جهان است. این که وفرت استعمال این نام در آثار مختلفی در جغرافیای رواج آن آمده است، مساله ی دیگر می شود، اما انتخاب آن برای رسمیات فرهنگی افغانستان، از نیم قرن به این سو، ما را متوجه می کند که در حفظ آن، کوشا باشیم.

فشار مضاعف برای حذف نام ها، در تجربه ای که به نام دیموکراسی وارداتی بیش از یک دهه ای اخیر کردیم، ثابت می کند ثابت قدمی فرهنگیان ما در کاربرد و نگه داشت نام ها و ترمینالوژی ملی، چه قدر مهم است. در واقع، نام های جا افتاده و رسمی، جزو مقوله ها و مولفه های حقوقی واحد های سیاسی، تذکره یا معرفی نامه هایی اند که در ملاحظات منافع ملی، اجازه نمی دهند زیر سایه ی به اصطلاح اشتراکات فرهنگی، درز ها و حفره های ایجاد شده در اغتشاش فکری، وحدت اندیشه در کلیت ملت و مملکت را آسیب بزنند. متأسفانه وضع زار حاکمیت در ضعف اقتدار ملی، سیاست های بیرونی را در ایجاد هرج و مرج داخلی برای برنامه ها و اجندا هایی که درصد بالای آن ها با رونمایی افتضاحات نشان دادند، بدون زمینه ی تاریخی و توجیه منطقی، چیزی شبیه بازی و نمایش شده اند، هویت سنتیزی ملی را به سطح کوچه و بازار می کشانند. سلوک زشت، در شرایطی که اولویت های ما اتحاد و اتفاق است، مملکت را در فشار ناشی از دو سوی سنتیز مدنی و مسلحانه، قید می سازد تا در چهار راه افکار، از بسیج مردم در کنار هم، درمانده شویم.

رخ دیگر این حقیقت که از تعدیل و حذف نام های جا افتاده و جهانی ما، انحراف تاریخ به نفع گروهک هایی می شود که در وزن پایین، نه درک دارند و نه به درستی واقف می شوند طرح آنان برای حذف واقعیت های افغانی با ظرفیت های بشری ناچیز و تجربه ی حضور سیاسی ناکام، به جایی نمی رسد، تفسیر، توجیه و تحلیل اسمای را بیشتر می کند که در رسمیات داخلی و خارجی، وحدت افغانستان را در کلیت فرهنگ افغان، مسجل کرده اند. سنتیز برای حذف و دلیل برای ابقا، دو بُعد قضایای متعدد فرهنگی و سیاسی در افغانستان شده است که خوشبختانه در هیچ عرصه ی آن، مقال اصالت ها و واقعیت های ما خالی نمی ماند؛ اما بر اثر چرخش و تنوع رقابت، ضرورت این که پاسخگویی نیز متنوع باشد، ناگزیر می کند در هیچ موردی کوتاه نیایم. ضم این مقاله، دو سند یا دو تصویری از واقعیت های مسجل نام دری در نشرات قدیمی، اما معاصر افغانستان را آورده ام که افغانستان دوستان، وقتی درگیر تنوع سنتیز شوند، استفاده کنند.

باوجود وفرت منابع، آثار و حقیقتی که اکنون نام **دری** را برای افغانستان و افغانان، جهانی ساخته است، مخالفان کوتاه فکر، به خصوص در خط فارسیسم، بر اثر تعابیر قومی، می کوشند با حذف کلمه **دری**، نام بی ریشه فارسی یا پارسی یا این غلط معروف برای دری را با چشم دوزی بر رواج آن، در عقب هویت قومی بیاندازند.

با فارسی سازی دری، گویا واقعیت های متکلمان بر این زبان، در حالی که مساله ی قومی آنان و وضاحت دارد، بی فکران ساده لو را تشویق کرده است که اگر دری، فارسی شد، در صورت دیگری از تعریف قومی آنان (فارسی) ظرفیت بشری قابل ملاحظه ای در سطوح سیاسی و مزایای آن به دست می آورند. به این دلیل، کسی از این جماعت بی خرد، پیشنهاد کرده بود احصائیه ی نفوس افغانستان را بر اساس گستره ی متکلمان زبان در نظر بگیرند. بر این اساس، هزاره گان ما یا پشتون های دری زبان یا مردمانی که هویت های قومی مشخص دارند، اما دری گو اند، در تذکره ی خویش «تعویض» می شوند. این که چه قدر بر این ادعا ها می توان طنز، فلم کمیدی، سرکس، هزل و هجو نوشت، در فرصت های بعدی، خواهم پرداخت، اما در این جا حداقل وقتی می دانیم واقعیت فرهنگی دری، در دنیای مجازی و ملموس، همه جا با نام افغانان و افغانستان می آید، صرف نظر از هزاره ی قدمت آن، حالا که بیش از نیم قرن در کنار پشتو، انعکاس جهانی فرهنگ ما در دنیاست، خوب است در تمام اشکال ثبوت آن، سند داشته باشیم.

دوگانه گی و کثرت استعمال دری و فارسی تا زمانی که در دهه ی 60 میلادی، نام دری را در رسمیات آوردند، باوجود استفاده ی عام نام فارسی در میان توده های بی سواد، اما هرگز باعث نشد دری، مستعمل و در نظر نیاشد. عموماً در سنتیز سخیف وقتی در برابر انبوه ی ادله و سند نام دری، کم می آورند، سراغ جلد کتاب هایی می روند

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

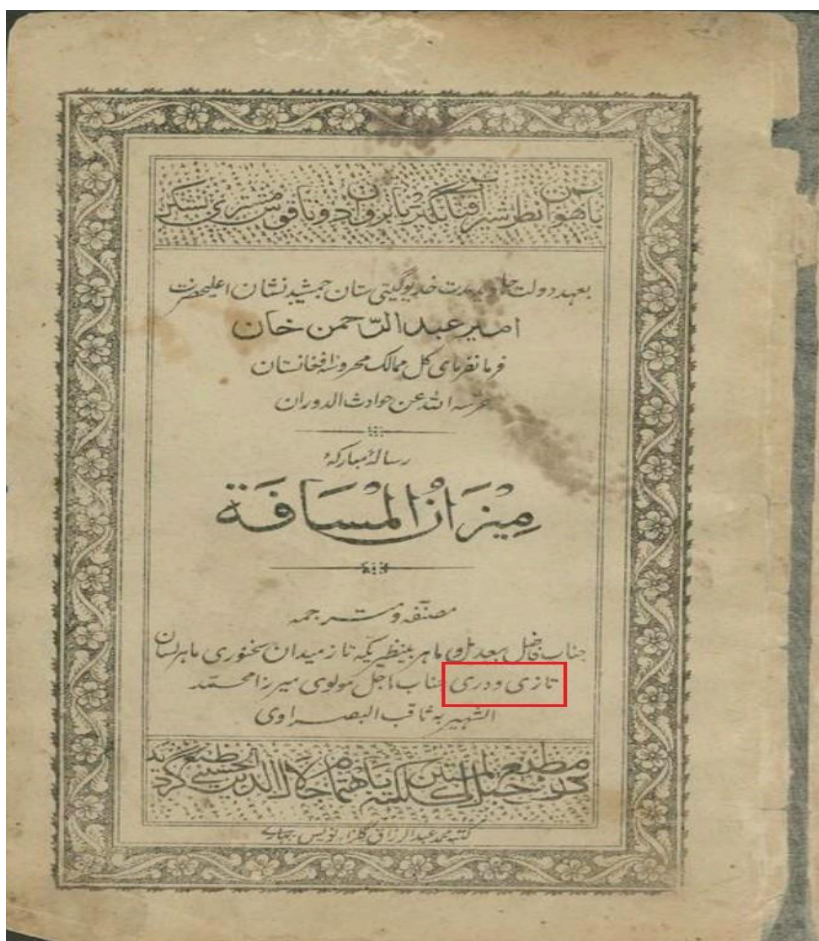
پاڼه: دليکني دليکنيزي بڼي پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

که کسی منکر نیست در بیش از یک قرن نشرات افغانی، نام فارسی وجود نداشته باشد، اما این ترفند، زمانی به معنی تعصب می شود که می بینیم، دری را با تمام واقعیت های آن، نادیده می گیرند.

ظاهراً تاریخ دری که در تمامی آثار قدما، وجود دارد، رقیب خوبی برای جلد کتاب هایی نبوده است که در جدل شبکه های اجتماعی بار ها دیده ام، با کاپی- پیست به زودی به سراغ افغانان دری دوست می آیند. برای این که این مقال نیز خالی نماند، از میان ده ها جلد کتابی که رقبای چاپی نام فارسی در نشرات افغانی اند، جلد دو کتاب زمان امیر عبدالرحمن خان را یافتم که به قول دوستان، ده ها نمونه ی دیگر دارد. استفاده از این دو سند تاریخی، ضم بحث دری نیست، بل به گونه ی خیلی ساده، در برابر جلد کتاب هایی قرار می گیرد که با نام فارسی، منتشر می شده اند. در جلد کتاب های «بصیره الزارعین» و «میزان المسافه»، هرچند با عناوین عربی، غنای زبان دری از زبان های دیگر را نشان می دهند، اما با متن دری که در امارت امیر عبدالرحمن خان منتشر شده اند، نام دری در کنار تازی (عربی) به وضاحت خوانده می شود. این نمونه در میان ده ها نمونه ی دیگر، صورت ساده از فهم مساله ای است که چه گونه در موقعیت دو گانه، تا زمانی که رسمیت دری مسجل می شود، در حوزه ی کار فرهنگی و تعلیمی ما وجود داشته است.

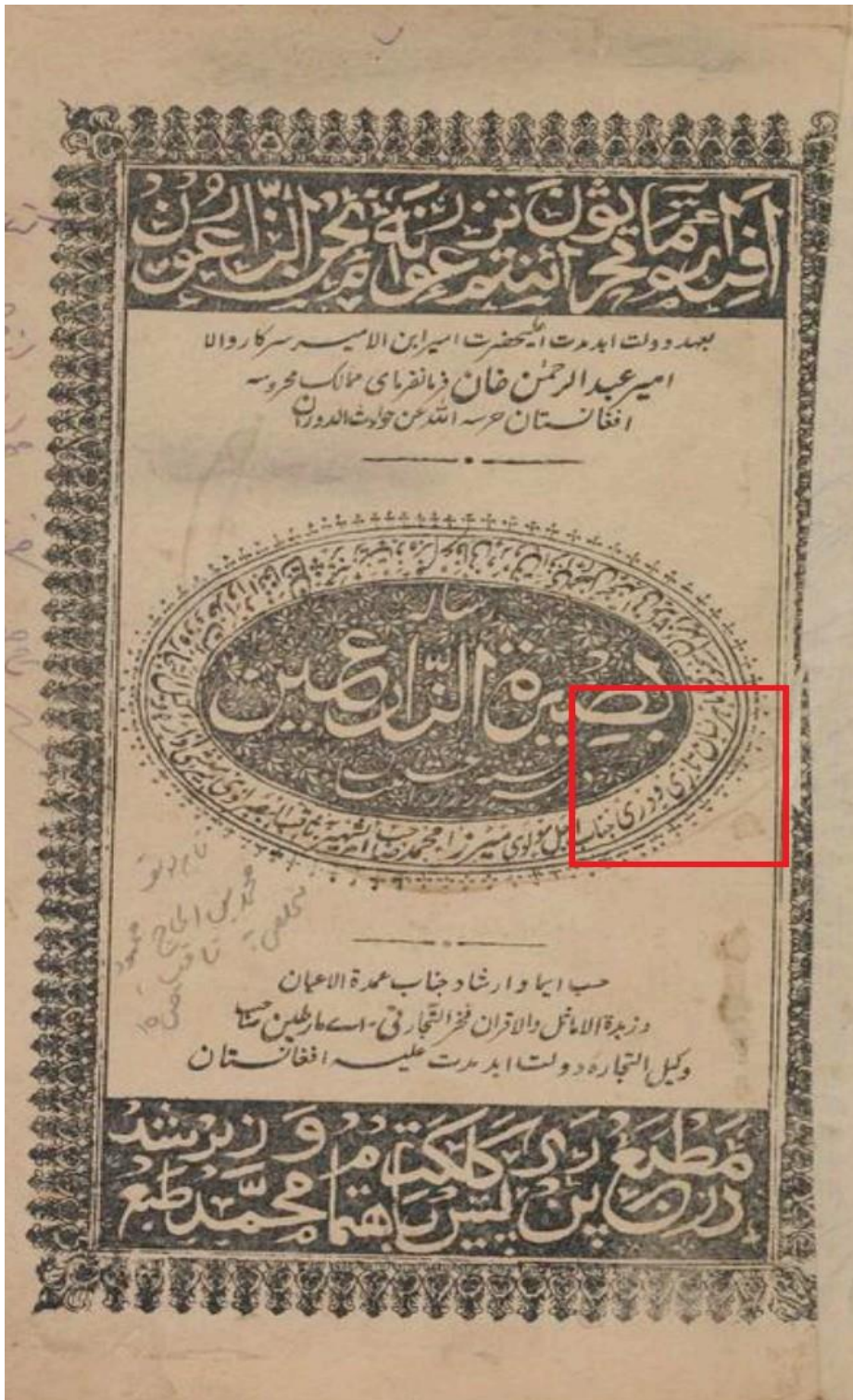
فرهنگیان افغان در یک قرن قبل، به خوبی از اصلیت دری آگاه بودند و بدون شک در زمان نیاز شدید به تعریف موضع ما، انتخاب و گزینش این نام، در تفکر فرهنگیان و مردم ما در گذشته، نقش بسته بود.

به هر صورت، ساده ترین استفاده از اسناد این مقاله، کاپی- پیست در زمان جدل شبکه های اجتماعی ست. هر جا فارسی بازی کردند، رخ دری را نشان دهید. در بیش از یک قرن قبل، از این نمونه های نشرات قدیمی افغانی مزین به نام دری، خیلی وجود دارند.



د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولئ



د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنيزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ